

آزمون و اسپهبد تیرباران شدند

اخطار شدید امام
به گران فروشان

کیمیا
شماره ۱۵ ریل

لیست میلیاردها دزدی خاندان پهلوی

به گزارش پهلوی و بی ادبانه
مستور ماری بیتر از ۱۰۰ میلیون
ریال پول گرفت
از فرقه دینا پهلوی فرج پهلوی که
شکار قریب دهمتری با شاه پهلوی
داشت صاحب چندین شرکت بود
به مالزی پول نقد برده بود ۱۱۰
میلیون ریال و با طلوع گرفت



منوچهر آزمون و اسپهبد در تیرباران

منوچهر آزمون: هیچ انتخابات
واقعی در ایران صورت نگرفت

اظهارات اسپهبد خواججه نوری
و سپهبد رییعی در دادگاه

در تهران و شهرستانها:
۹ عامل
رژیم سابق
را اعدام
کردند

اعدام شدگان
پس از اجرای حکم

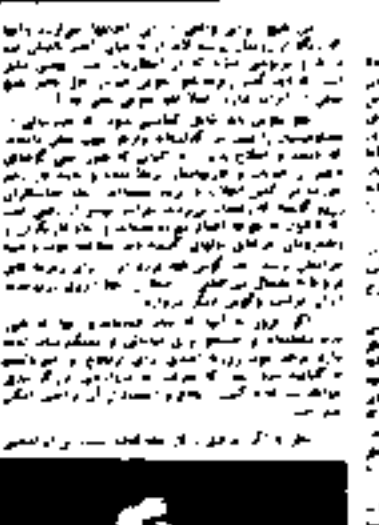
در جواب آنها که دل می سوزانند



یادداشت
روز



در جواب آنها که دل می سوزانند...
این روزها در تهران و شهرستانها...
اعدام شدگان پس از اجرای حکم...
منوچهر آزمون و اسپهبد...
در تیرباران شدند...



در جواب آنها که دل می سوزانند...
این روزها در تهران و شهرستانها...
اعدام شدگان پس از اجرای حکم...
منوچهر آزمون و اسپهبد...
در تیرباران شدند...



در جواب آنها که دل می سوزانند...
این روزها در تهران و شهرستانها...
اعدام شدگان پس از اجرای حکم...
منوچهر آزمون و اسپهبد...
در تیرباران شدند...



۱۷ غامور سواکت و
افسارتش دستگیر شدند

... اخبار تهران شاه را بی اندازه گیج و مبهوت و آشفته کرد^(۱)

در این جا بود که معدود یاران، یاران باقی مانده هم هر یک به نوعی و بهانه‌ای آهنگ گریز نمود: پدر در شرف موت، همسر در بستر جراحی، گمشدن فلانی و... در این میان بهبهانیان که کلید رمز اموال را در دست داشت و گوش به زنگ‌تر از دیگران بود به مخفیگاه گریخت. در تهران اعلام شد بهبهانیان به شدت تحت تعقیب است:

بهبهانیان حتی از مسافرت هم پرهیز می‌کرد و معلوم نبود در کدام سوراخ با آن اموال مخفی است! امیراصلان افشار هم چون درباری و تشریفاتی وجود نداشت وجود خویش را زاید انگاشت و به اروپا رفت.

ملکه و شاه برای نخستین بار به فکر مسایل اموال و پول افتادند. شاید شاه خاطره تلخ بی‌پولی سال ۱۳۳۲ را درایتالیا فراموش نکرده بود، از این رو از آن لحظه به بعد سرش توی حساب آمد و به اشخاصی که تقاضای پول می‌کردند، یک پاسخ مشخص می‌داد:

— ما فعلاً در تبعید به سر می‌بریم، پول نداریم...

۲۲ فوریه لحظه ناامید کننده برای ملکه و شاه بود، تقاضای ورود به آمریکا کردند، پاسخ منفی شد! این نیز بر ناباوریشان افزود.

هر چه به نوروز ۵۸ نزدیک می‌شد، نگرانی ملک حسن هم از طولانی شدن اقامت شاه بیشتر می‌گردید: شاه حسن که قبلاً تقاضا می‌کرد اعلیحضرتا اگر امکان دارد چند ساعت بیشتر در مراکز بمانید... اما اینک هر لحظه برایش عمری می‌گذرد و ثانیه شماری می‌کند ملکه و شاه را در فرودگاه بدرقه کند.

گفتن و یا به کلام عریان‌تر جواب گفتن ملکه و شاه به صراحت برای ملک حسن ساده هم نبود، از این رو از راه دیگر وارد شد و از تجارب و افراد دیگر یاری جست.

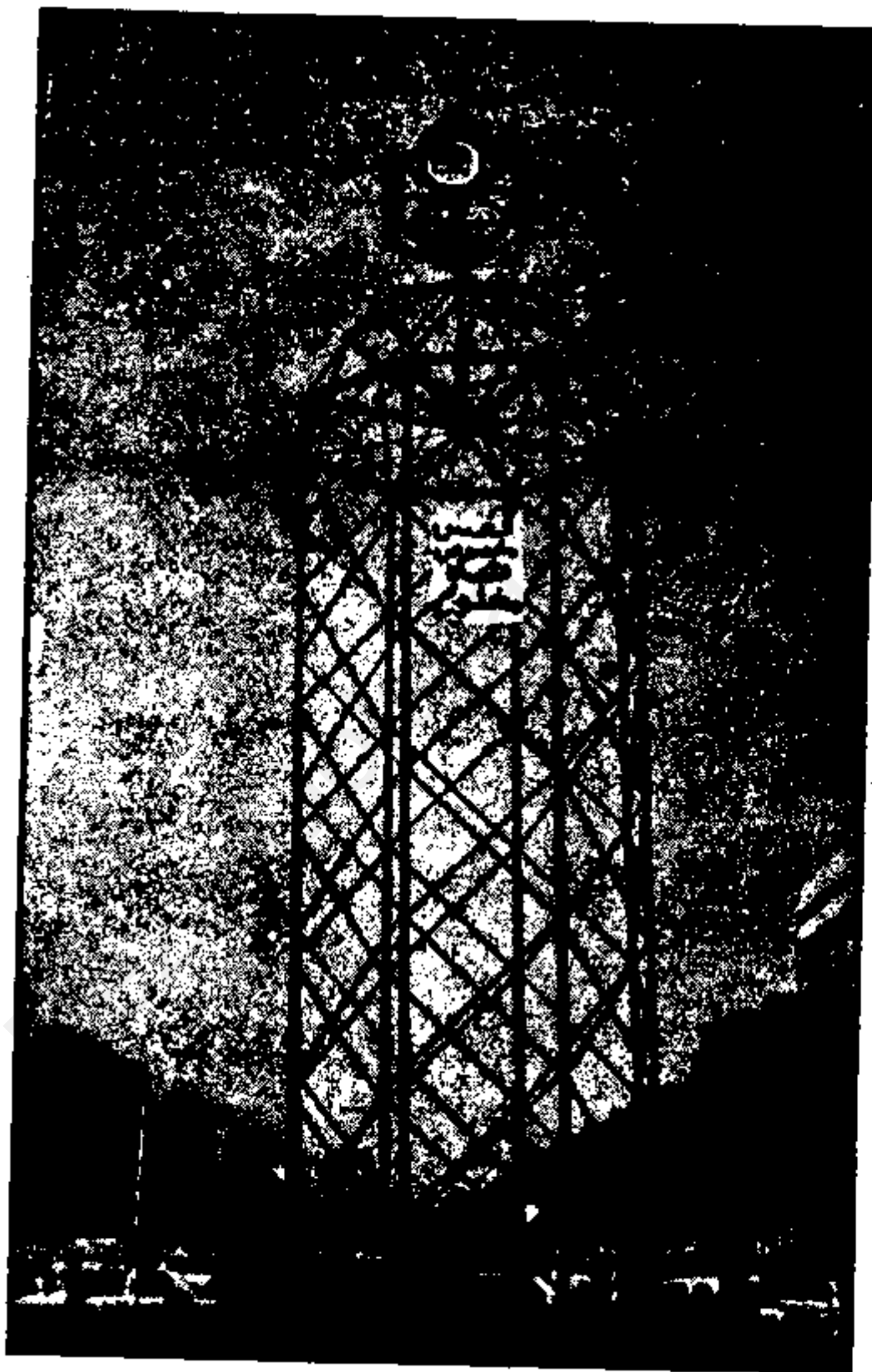
روز ۲۴ مارس، یعنی سوم فرودین سال ۱۳۵۸ دان شکر و چارلی گودل با احتیاط به کتابخانه کاخ دارالسلام جایی که شاه نشسته بودند رفتند. گودل پس از یک مقدمه چینی گفت:

- من در انتخابات شکست خورده‌ام و دیگر سناتور نیستم در نیویورک
 رأی نیاوردم، من نیز احساس شما را درک می‌کنم. شکست تلخ است...
 و با همین مقدمه سرمطلب دلخواه و مورد نظر خود رفت:
 - از شاه حسن از طرف مقامات آمریکائی خواهش کرده‌ام هواپیمای
 شخصی خود را در اختیار شما قرار دهد تا به هر کجا که می‌خواهید
 تشریف ببرید!

سرهنگ بهزاد معزی در آن موقع در تهران بود، یعنی خود تقاضای بازگشت کرد و
 هواپیما را هم با نظر شاه به ایران بازگشت داده بود، شاه دیگر هواپیمای شخصی در
 اختیار نداشت.



قفس آهنین برای شاه مخلوع



است ، به همین دلایل باید در این شهر محاکمه شود . شیرازها که همیشه بمبهمان نوازی مشهور هستند ، اینبار نیز خود را مهیا میکنند تا از میهمان خون آشفشان آلمان که درخور اوست ، پذیرائی کنند .

آهین ساختند تا شاه مخلوع راهنگام محاکمه مانند « آیشمن » در مرون آن قرار دهند . شیرازها میگویند : چون شاه مخلوع مدعی بود که به شیراز علاقه فراوانی دارد و حتی یک گسورستان ۴۰ مایهون تومانی هم برای خود و خانواده اش در شیراز ساخت

شیراز - عسی رفیعی - خبرنگار کیهان : با اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران و در پی گروگانگیری در سفارت آمریکا ، شیرازها که گویا بازگشت شاه مخلوع به ایران را احسن گردانند ، پناهگس

شاه در مراکش می ماند

مراکش - خبرگزاری فرانسه، رویتر، دکتر امیراصلان افشار، رئیس کل تشریفات سلطنتی گفت شاه ایران فعلاً در مراکش می ماند و هیچ طرحی برای دیدن خارج از این شهر ندارد.

امیراصلان افشار افزود که شاه فعلاً هیچ کنفرانس مطبوعاتی تشکیل نخواهد داد و با هیچ روزنامه نگاری مصاحبه نخواهد کرد.

ناظران معتقدند که این تصمیم قاطع تحت تأثیر اردشیر زاهدی، سفیر ایران در واشنگتن و دوست صمیمی شاه گرفته شده و زاهدی جدا به شاه توصیه کرده که در مورد تحولات کنونی ایران سکوت کامل کند.

شاه، پریروز ----- نخستین روز آرامش خود را در مراکش گذراند. نزدیکان می گویند که او حالا بهتر می خوابد و سردردهایش متوقف شده است. شاه برنامه پیک نیک روز پنجشنبه را که بعلت بدی هوا لغو شده بود روز جمعه انجام داد. شاه تا جمعه، غمزده و آرام و خسته در اقامتگاه مراکشی خود به سر می برد. اطرافیان می گفتند که تا پریروز سخت می خوابید و لحظات دشواری را پشت سر گذاشته است.

به اعتقاد نزدیکان شاه، شاه نومییدی واقعی خود را از اینکه می بیند کار سلطنت سی و هفت ساله اش و تلاشهایی برای تبدیل ایران به یک قدرت بزرگ مدرن برباد رفته، پنهان نمی کند. او مرتباً می پرسد:

«کشورم به چه حال و روزی خواهد افتاد؟»

دیروز چهار فرزند شاه با مادر بزرگشان از آمریکا به مراکش آمدند. دکتر امیراصلان افشار رئیس تشریفات دربار گفته ولیعهد پس از چند روز، اقامت در مراکش برای دنبال کردن آموزشهای خلبانی خود به آمریکا بازخواهد گشت.

دکتر افشار گفت: فرزندان شاه سفر طولانی و خسته کننده ای به مراکش داشته اند ولی لحظه دیدار آنها با پدر و مادر خود بسیار تماشایی بود.

رئیس تشریفات دربار این خبر را که برنامه های آتی شاه به تحولات ایران بستگی

دارد تکذیب کرد.

شاه دیروز نتوانست به موقع در فرودگاه برای استقبال از فرزندان خود حاضر شود و آن‌ها را هنگامی که با اتومبیل به سمت محل اقامتشان در حرکت بودند در بین راه دید. منابع گفتند شاه پس از ورود به مراکش تاکنون با رهبران چندین کشور غربی که از دوستان وی می‌باشند تماس گرفته و سران این کشورها از سفر شاه به کشورشان استقبال کرده‌اند.

گرچه نام این کشورها هنوز اعلام نشده ولی گفته می‌شود فرانسه و سوئیس در مورد تأمین امنیت شاه ابراز نگرانی کرده‌اند.

از سوی دیگر هفته‌نامه اکتبر چاپ قاهره در آخرین شماره خود نوشته است که انتظار می‌رود شاه با خانواده و دیگر همراهانش به مصر بازگردند و هر کاخ (تپه) که در حومه قاهره واقع شده اقامت کنند. این مجله نوشته است زمان بازگشت به شخص شاه بستگی دارد.

در این میان دوستان شاه دیروز گفتند شاه قصد دارد تا بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران در مراکش باقی بماند.

دوستان شاه گفتند که وی قصد دارد از تحولات ایران بعد از ورود آیت‌الله خمینی به کشور آگاه شود و در صورتیکه اوضاع و احوال در جهت مخالف منافع شاه پیش رود وی به اروپا خواهد رفت.

اختلاف با آمریکا

ضمناً هفته‌نامه عرب زبان (المستقبل) که در پاریس چاپ می‌شود، در شماره این هفته خود نوشته است که روابط میان شاه و دولت کارتر تیره شده و انور سادات ناگزیر شده است یک نماینده ویژه برای میانجیگری میان شاه و دولت آمریکا به این کشور بفرستد.

(المستقبل) از سوی دیگر تصور می‌کند که پرزیدنت کارتر ۲۴ ساعت پیش از آنکه رمزی گلارک، وزیر پیشین دادگستری آمریکا با امام خمینی دیدار کند گفت‌وگویی تلفنی

با امام خمینی انجام داده است.

از سوی دیگر بنا به ادعای همین هفته‌نامه این خود شاه بوده که از فرانسه خواسته بوده که به امام خمینی اجازه بدهد اقامتش در آن کشور تمدید شود تا از رفتن امام به الجزایر یا لیبی جلوگیری شود و مقامات فرانسوی فکر می‌کنند که شاه به این ترتیب مرتکب یک اشتباه فاحش شده است.

کاردهای مراکشی به شدت از شاه سابق حفاظت می‌کنند

رباط - خبرگزاری فرانسه - محافل معتبر مراکشی شایعه‌های رایج در تهران را مبنی بر اینکه یک کوماندوی فلسطینی شاه سابق ایران را در مراکش ربوده است قویاً تکذیب کردند.

فرهاد سپهبدی، سفیر ایران در مراکش نیز گفت: «شاه هم اکنون در اقامتگاهش در جنان‌الکبیر بسر می‌برد و حالش خوب است.»

شایعه رایج در تهران مبنی بر اینکه کوماندوهای فلسطینی شاه سابق ایران را در مراکش ربوده‌اند پیش از آن که توسط منابع معتبر مراکش تکذیب گردد، بیدرنگ با ناباوری شدیدی روبرو شد. در واقع شهر مراکش از دو جهت مراقبت می‌شود: از یک طرف به سبب حضور ملک حسن، پادشاه مراکش که برای گذراندن زمستان به آنجا آمده و از طرف دیگر به سبب ورود شاه سابق و خانواده‌اش که حدود سه هفته پیش به آنجا وارد شدند.

در مراکش گفته می‌شود وسایلی که برای مراقبت از شاه سابق و همسرش در نظر گرفته شده به حدی زیاد است که هر کس از هرگونه اقدامی برای ربودن این زوج منصرف خواهد شد.

پادشاه مراکش محوطه بسیار بزرگی در اختیار شاه گذاشته است. این ساختمان در دروازه‌های شهر قرار دارد و دیوارهای بلندی آنرا احاطه کرده است. این محوطه که «جنان‌الکبیر» نام دارد، به یک قلعه واقعی تبدیل شده است و چند صدسرباز شب و روز از آن نگهبانی می‌کنند.

کلیه اطراف این محوطه را که بالغ بر چندین کیلومتر است سربازان، تقریباً دوشادوش یکدیگر، مراقبت می‌کنند.

بعد از رویدادهای تعطیلات اواخر هفته گذشته در ایران، شاه سابق از اقامتگاهش خارج نشده است. تا همین اواخر، شاه سابق در یک اتومبیل سرخ‌رنگ فرزندانش را برای «پیک نیک» به بیرون شهر می‌برد و یک اسکورت قوی او را همراهی می‌کرد ولی اکنون وضع تغییر کرده است. در جنان‌الکبیر شاه سابق به خودش فرو رفته و دیگر از اقامتگاهش خارج نمی‌شود.

من تاشش نفر تودایرانگشتم کشته نخواهم شد!



شعبان جهادی (مرووف به بر منخ)

همسران در دنیا برای شاه مخلوع



**شاه و خانوادهاش با اتفاق
نگهبانان و مرابین در این
ویلاي مخصوص
زندگی میکنند**



۱- همسران شاه در این شهر...
۲- همسران شاه در این شهر...
۳- همسران شاه در این شهر...
۴- همسران شاه در این شهر...
۵- همسران شاه در این شهر...
۶- همسران شاه در این شهر...
۷- همسران شاه در این شهر...
۸- همسران شاه در این شهر...
۹- همسران شاه در این شهر...
۱۰- همسران شاه در این شهر...

جزیره بهشت یا جهنم؟

ملکه سوم صبح روز دهم فروردین ۱۲۵۸ با همراهان در فرودگاه رباط کریم به مقصد منزل سوم سوار بوئینگ ۷۴۷ اختصاصی ملک حسن شدند. چمدانها به تعداد تقریباً روزهای سال، منتهی سه روز بیشتر یعنی ۳۶۸ جامه‌دان بزرگ از جلو رفتند، اما ملکه سوم هنوز نمی‌دانست به کجا او را می‌برند!! شاید هم آفریقای جنوبی محتمل‌ترین نقطه. اما تداعی زندگی در تبعید رضاشاه در آفریقای جنوبی سخت بر پسرش اثر روانی نهاد و با آن مخالفت ورزید. تاریخ چقدر سریع تکرار می‌شود!

تا چند ساعت قبل از حرکت ملکه نمی‌دانست به کجا می‌روند آفریقای جنوبی محتمل‌ترین نقطه به نظر می‌رسید. شاه حسن محمدرضاشاه را از نرفتن به آفریقای جنوبی منصرف ساخت و گفت:

اگر آنجا تنها جایی است که تو را می‌پذیرند برو!! باید بدان جا بروی.

آمریکا هنوز نتوانسته بود جایی برای ملکه و شاه دست و پا کند. کیسینجر سرانجام با تلاش توانست باهاما را در نظر بگیرد. در آن لحظات اقیانوس اطلس شاهد پرواز هواپیمائی بر فراز خود بود که به جز چند سرنشین - ملکه سوم، شاه سقوط کرده، نگهبانش، دکتر لوسی و یک گله سگ کسی دیده نمی‌شد! شاید تعداد سرنشینان سگ بیش از آدمها بودند. ملکه سوم در مورد بی‌وفائی یارانش گفت:

وقتی به روابطی می‌اندیشم که با اغلب کشورها داشتیم و حالا ناگهان حتی

حاضر نبودند چند کلمه با ما حرف بزنند یا ما را دعوت به کشورشان کنند،

واقعاً متأثر و متأسف می‌شوم این از آن نوع تجربیاتی است که انسان باید طعم

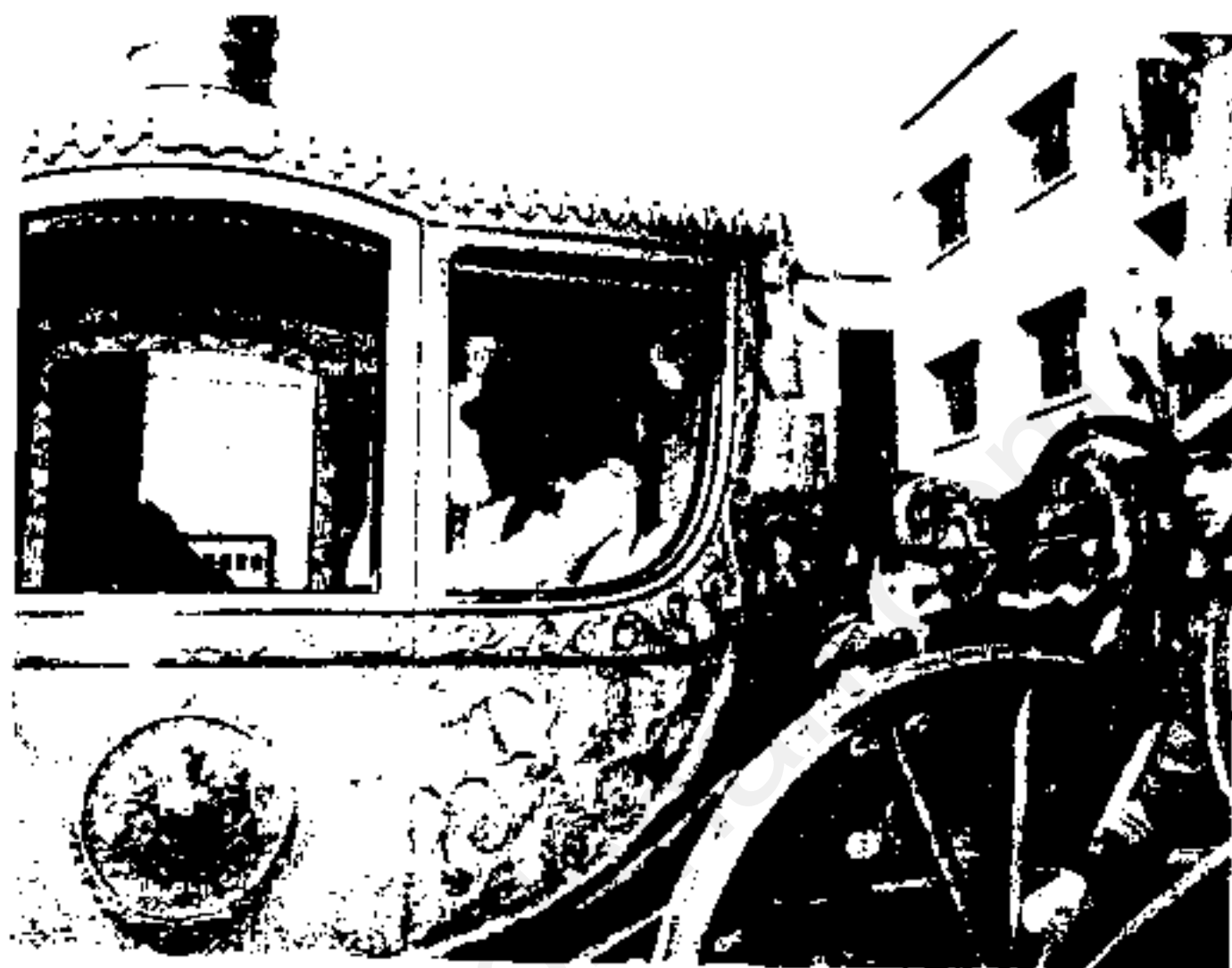
تلخ آن را بچشد تا بداند.

شاه بی‌یار

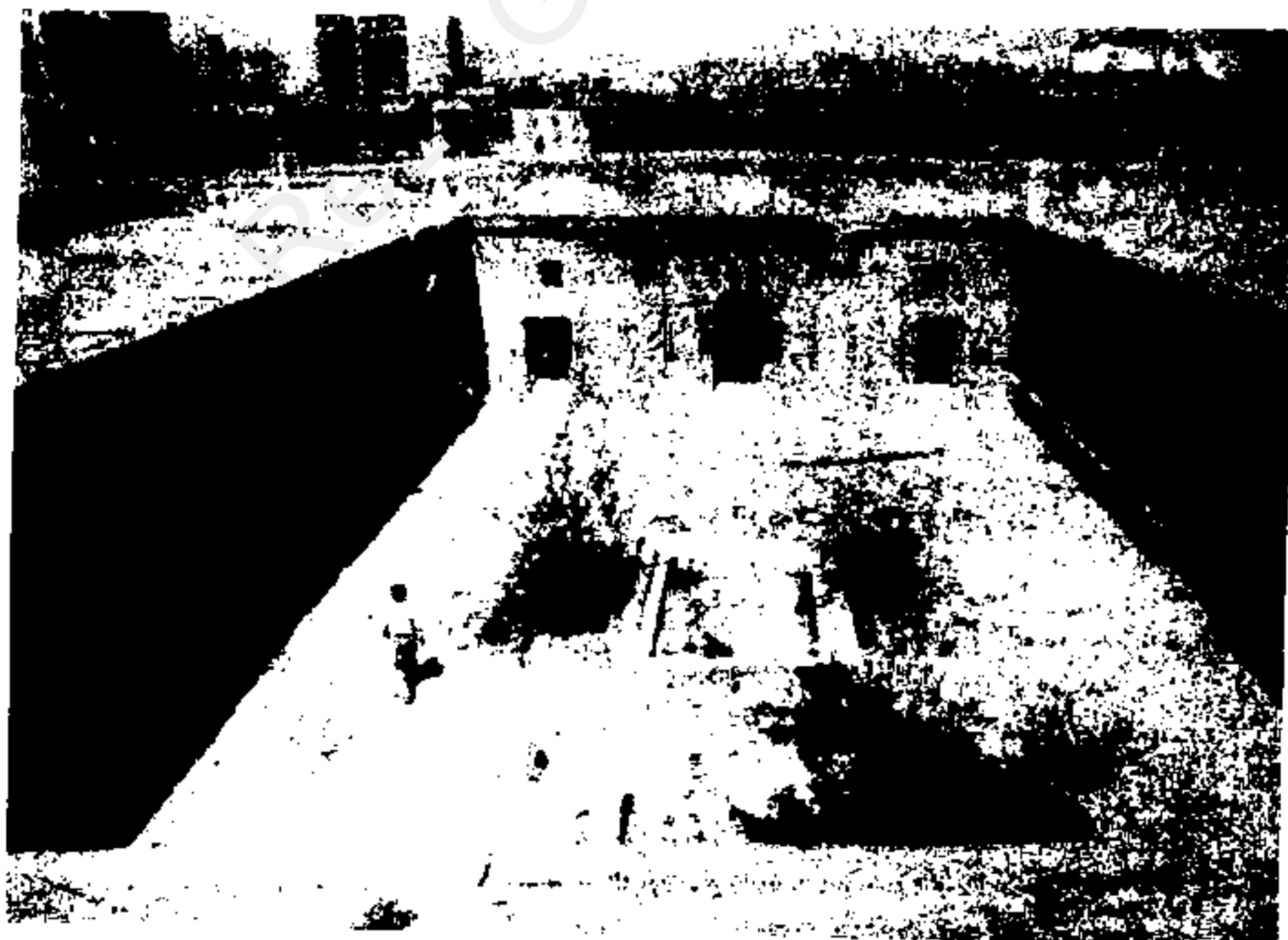
محمدرضا چندی پیش از سقوط به یکی از کسانی که زندگی وی را می‌نوشت اظهار

داشت:

من نیز مثل پدرم بی یار و بی کسبم... فقط چند نفر اطرافم پرسه می زنند و با من ورق بازی می کنند.



کالیجک خطی حاکم الملک در بیابان کوه گناباد



شاه سابق: من خیال کناره گیری ندارم!

اگر دو سال دیگر وقت داشتم، مردم میدیدند که قصد چه کارهایی را دارم. نیویورک - رویتر - شاه مخلوع ایران در مصاحبه‌یی با باربارا والترز خبرنگار شبکه تلویزیونی ای.بی.سی گفت قصد ندارد از تاج و تخت کناره‌گیری کند، وی گفت: «چرا باید کناره‌گیری کنم؟ من برای سامان دادن به اوضاع کشورم را ترک کردم اما ظاهراً اقدام من نتیجه معکوسی داده است.»

در این مصاحبه شاه حاضر نشد که خبرنگاران تلویزیونی از دوربینهای ناطق استفاده کنند. مصاحبه شاه با خانم والترز بصورت فیلم بدون ناطق پخش شد و اظهارات شاه از زبان مصاحبه‌کننده پخش گردید. والترز گفت:

شاه حاضر نبود درباره هیچ مسأله‌ای زیاد صحبت کند اما گفت «اگر من دو سه سال دیگر وقت داشتم کلیه برنامه‌های من به موقع اجرا گذاشته می‌شد و مردم می‌دیدند که من قصد داشتم چه کارهایی انجام دهم.»

مصاحبه شاه اولین مصاحبه وی بعد از خروج از ایران است. این مصاحبه در کاخی که توسط پادشاه مغرب در حومه رباط در اختیار شاه گذاشته شده انجام گرفت. این کاخ تحت محافظت شدید افراد مسلح قرار دارد. والترز گفت:

شاه حاضر نشد درباره نگرانی‌ش نسبت به گسترش نفوذ شوروی در جهان بحث کند فقط گفت امروز نه روزی این کار را خواهم کرد، شاه درباره حوادث اروپا از والترز سؤال کرد و به وی گفت من فکر می‌کنم تمدن غرب در خطر است.

درباره اینکه شاه و خانواده‌اش سرانجام در کجا اقامت خواهند کرد شاه گفت: فکرنمی‌کنم مدت زیادی در مغرب بمانم شاه گفت اقامت در آمریکا هنوز نیز محتمل است شاه گفت بعد از ترک ایران به این دلیل به آمریکا نرفتم که بسیاری از افراد توصیه می‌کردند در منطقه باقی بمانم. شاه گفت که بعد از ترک ایران با جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا تماس نداشته است.

خانم والترز می‌گوید:



شاه مخلوع در محافلش گفت : سازطن هلال قدرت و اعتبار خود را از دمت ناله است !





دکتر پزشکی
الکر شاه سابق را برنگردانند

میفرستیم شاه را بیاورند



اخبار کشور

کیشان

شاه امر وزیر و د

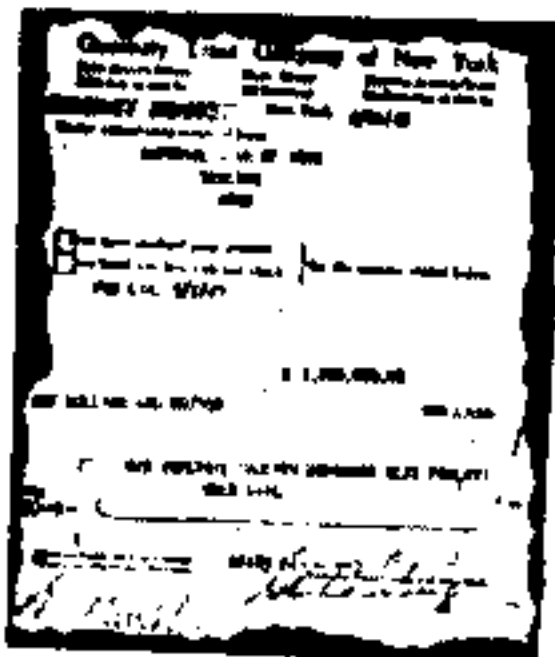


سوار قندی سنگ



با فریب روح بهره در امریکا

شاه مخلوع دقیقه ای ۱۳ هزار تومان درآمد دارد



پس از آنکه شاه مخلوع در روز ۱۳ هزار تومان درآمد دارد. این مبلغ به حساب او در بانک آمریکا واریز شده است. شاه مخلوع در روز ۱۳ هزار تومان درآمد دارد. این مبلغ به حساب او در بانک آمریکا واریز شده است. شاه مخلوع در روز ۱۳ هزار تومان درآمد دارد. این مبلغ به حساب او در بانک آمریکا واریز شده است.

وزارت خارجه ایران:
 رئیس جمهور باناما
 زود است شاه را تأیید کرد
 خسر گزاریها همچنان به
 تکذیب خسر ناز داشت شاه
 اداهه میدهند



بلاکراه ریز
 رئیس جمهور
 باناما امروز به
 وزارت خارجه
 رسید

آخرین گزارشها درباره سرنوشت شاه



- نم شاه شاهان



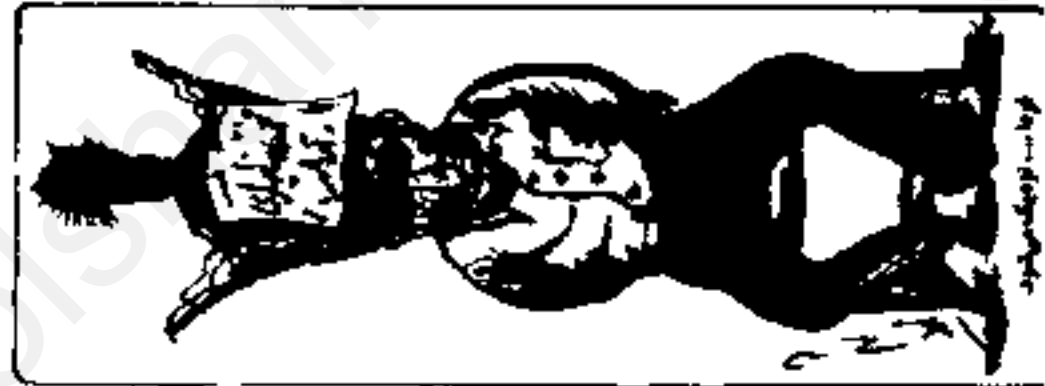
● دکتر وادریه
● همسر شاه
● همسر شاه
● همسر شاه

والله اعلم: همسران و رابط ایران و آمریکا از نظر سبب اصلی از زبان همسران موشکی که با احمقان بی ساهه است

موافقت امریکا برای رسیدگی به جنایات شاه در یک محکمه جهانی

۱۳ شهریور ۱۳۵۷
شماره ۱۸۱
کتابخانه

درباره سرنوشت شاه آخرین گزارشها



هوآپیمای بوئینگ شاه مراکش، حامل شاه در حال سقوط ایران در فرودگاه ناسو بر زمین نشست. در آنجا نه فقط از استقبال و شلیک توپ دیگر خبری نبود، بلکه خدمه هم با بی میلی به سرنشینان ناخوانده خیره شدند. قبل از همه تعداد ۲۶۸ چمدان بزرگ خود مایه در دسر بود، جابجائی آن همه جامه‌دان آن هم برای یک نفر در دنیا سابقه نداشت. ملکه و شاه به همراه رابرت آرماتو رئیس کشور سوار بر هلیکوپتر عازم محل اقامت شدند، اما چمدان‌ها ماند و آقای مارک مرس مسئول تخلیه و مواظبت از آن محموله سرانجام جامه‌دان‌ها را با پرداخت رشوه‌های کلان به باربرها در کف یک کامیون روباز قرار داد تا به طرف جزیره بهشت حمل شود، جایی که ملکه سوم دوران جهنم خود را می‌گذرانید....

فرح دیبا پس از سکونت در کاخ نیاوران و گذراندن تعطیلات پیاپی در سن موریتس سوئیس با دیدن ویلای محقری که گنجایش بیش از چند تن را نداشت نتوانست تاب بیاورد و پرسید:

- مستخدمها چگونه می‌توانند در این مکان کوچک به سر برند؟!

اما ملکه خیلی زود از توهم خارج شد و شنید:

- علیاحضرتا! این ویلای کراسبی با زحمت زیاد برای سکونت خانواده

سلطنتی مهیا شده! با زحمت زیاد...

ویلای کراسبی محقر، مشرف به دریا بود. تنها سه نفر می‌توانستند در آن ویلا سکونت نمایند، ملکه، شاه و فقط یک پیشخدمت یعنی سه نفر یک ویلای سه نفره!! دیگر همراهان در یکی دیگر از جزایر کوچک باهاما از هفتصد جزیره کوچک تشکیل شده، اما دولت باهاما جزیره بهشت! را برای ملکه و شاه در نظر گرفت. خانه شخصی جیمز کراسبی مدیر استراحتگاههای بین‌المللی، در جزیره بهشت!

جزیره بهشت چگونه جهنمی بود!

باهاما از همان دوران مرکز فساد و اعمال خلاف اخلاق بود. باهاما مرکز سازمان‌های تبهکاری، لانه قاچاقچیان، پاتوق گانگسترهای حرفه‌ای و هر عملی که در



دیگر نقاط منع می‌شد، بود. به عنوان نمونه در زمان منع مشروبات در آمریکا، این باهاما بود که مشروب لازم را قاچاق می‌کرد و فروشندگان مشروبات قاچاق را در خود جمع کرد. با همجواری با فلوریدا این روند تشدید می‌شود یعنی وقتی در کوبا قمارخانه‌ها را فیدل کاسترو بست، تبهکاران انواع فعالیت‌های خلاف را به باهاما منتقل ساختند که در رأس همه مواد مخدر بود. وقتی تجسم کنیم باهاما پلی عبوری بر سر راه کلمبیا محسوب می‌شود به خوبی می‌توان دریافت چه محل مناسب و امنی برای قاچاقچیان کوکائین، ماری جوانا و سایر مواد مهلک خانمان برانداز است. طی سالیان دراز در سالن خلوت و فرودگاه‌های دور افتاده باهاما تجارت مواد مخدر به صورت یک صنعت کامل در آمده! این قاچاقچیان با پول‌های سرسام‌آور مقامات را تطمیع می‌کنند که در این راه مقاومت‌ها را می‌شکنند. با تمام این توضیحات خوانندگان باید خود به جای جزیره بهشت نام جهنم واقعی را جایگزین محلی نمایند که ملکه سوم حیران با شاه مشهور و ملقب به شاه پولدار و اینک شاه فراری پولدار! رادر خود پناه داده بود. عجب پناهی که خواهیم دید.

فرح و شاه اجازه نداشتند از بهشت خارج شوند محافظ شاه - سرهنگ جهان‌بینی - خیلی سعی کرد با نماینده کراسبی گفتگو کند، پاسخ پناه دهندگان یک جمله بود:

- اجازه نداریم مذاکره کنیم، مسئله شما قابل مذاکره نیست. شما باید در همین جا بمانید باید از جایتان تکان نخورید محافظ شاه بعدها توضیح داد، همه دستشان توی یک کاسه بود وزیران سهم، منافع مافیایی در میان و منافع کازینویی سرسام‌آور قابل تقسیم...^(۱)

فقط در همان هفته‌های اول مبلغ یک میلیون و دویست هزار دلار پول به جیب یک نفر رفت و شاه از پرداخت آن مبلغ هنگفت ناراحت شد.^(۲)

محافظ شاه سرهنگ جهان‌بینی سنگینی فشار و بدترین لحظه‌های عمر خویش را به چشم دید. مخصوصاً وقتی شنید فرزندان ملکه و شاه برای دیدار آنان به بهشت!! می‌آیند جهنم واقعی پیش چشمش مجسم گشت.

ملکه سوم برای نخستین بار در زندگی مرتباً یک به سیگار می‌زد و حسابی پشت سرهم سیگار می‌کشید، ترسیده و درمانده و ناامید شده بود. عکسی که از دور از او گرفتند مثل بچه آهوی رمیده و گمشده به نظر می‌رسید. این عکس در مجله پاری مارچ به چاپ رسید. و این درست موقعی بود که روزنامه‌ها در تهران با عناوین درشت نوشتند. ملکه و مادر شاه و اشرف محکوم به مرگ‌اند.



آیت‌الله شیخ صادق خنجالی
رئیس دادگاه‌های انقلاب

**ترور بختیار، شریف امامی، نهاوندی،
اردشیر زاهدی، فریده دیبا، اویسی،
از هاری، پالیزبان
و شعبان جعفری
حکم دادگاه
انقلاب است**

شاه مخلوع، فرح،
اشرف، مادر فرح و
همدستان آنها
محکوم به اعدام‌اند

**هویدا برای
نجات خود**

هیچ دولتی حق ندارد عاملان
ترور شاه مخلوع و همدستانش را
بازداشت کند.

عین تیتر روزنامه‌ها

حالات روحی ملکه سوم را با شرایطی که در آن زندگی می‌کرد و کلامی که خودش

در این باره گفته، تشریح می‌کنیم:

بازرگانان و بانکدارانی که برای دریافت دعوت به کاخ سلطنتی التماس می‌کردند و از

ارتباط داشتن با خانواده پهلوی بر خود می‌بالیدند، دیگر در آن حوال و حوش دیده

نمی‌شدند. فرح این موضوع را با سرخوردگی زیاد نقل می‌کرد و می‌گوید:

هر کس در زندگی با چنین مسائلی در سطوح مختلف روبرو می‌شود. اما هر

قدر مقام شما بالاتر باشد، دامنه این پراکندگی وسیع‌تر است... هر بار که

حادثه‌ای روی می‌داد، با خودم می‌گفتم خداوندا، این ممکن نیست. اما ممکن بود... گاهی می‌اندیشیدم که دنیا طوری با ما رفتار می‌کند که گویی بزرگترین جنایتکاران روی زمین هستیم. رفتاری که با ما می‌شد و از محلی به محل دیگر پرتاب می‌شدیم وحشتناک بود. فکر می‌کنم چطور توانستم آن را تحمل کنم و زنده بمانم؟

بعدها فرح گفت:

این قسمت از تبعید برای من و شاه بدترین قسمت‌ها بوده است. فرح ویلای کراسبی را بسیار کوچک و نمور و خفقان‌آور یافته بود. با این حال مأموران امنیتی در پیرامون آن و انبوه جامه‌دانها در حیاط کوچک برویهم انباشته شده بود. فرح می‌گوید:

همه ما در سه اتاق زندگی می‌کردیم. غذا را در یک اتاق می‌خوردیم. سایرین در بیرون اقامت داشتند. محیط وحشتناکی بود. حتی سگها اجازه نداشتند از ویلا خارج شوند. وقتی یکی از آنها به ساحل گریخت، بی‌درنگ نامه شکایت‌آمیزی واصل شد. هر کس سعی می‌کرد پول بیشتری بکند. بدتر از همه اینکه دولت باها ما اخطار کرد که حق ندارید هیچ تفسیری درباره رویدادهای ایران بنمایید. این کار ملکه را خشمگین ساخت. بعدها پرسید:

این چه سیاست خارجی بود که ما را از اظهار حتی یک کلمه ممنوع می‌ساخت؟ یک روز گفتم بیایید یک قایق کرایه کنیم و به وسط آبهای بین‌المللی برویم و در آنجا صحبت کنیم.^(۱)

1 - Interview with Queen, 7 March 1985.



روزی شش میلیون بشکه نفت صادراتی با بیش از ۳۰ دلار و با جمعیتی تقریباً



۳۰ میلیون نفر این چنین بود سر و وضع زنان ایران دوران چپاول.

فرار از بهشت به ویلای گل سرخ (مکزیک)

داستان جستجوی پناهگاه دیگر و انتقال به «بهشت» بار دیگر تکرار گردید، قاهره، ریاض، بهشت، حالا نوبت کجا است؟ باید سراغ ملکه را گرفت. تلفن در این گیرودار زنگ زد. فرح تلفن را برمی دارد:

- اهلاً! اهلاً یا اختی آن سادات! حَضْرَتِک؟ (جنابعالی) سپس افزود:

- من تکرار می‌کنم قاهره هم مثل تهران برای شما است، متأسفم که یاران

به شما مکان و پناه ندادند، به قاهره اهلاً بِکُم^(۱)

خانه بعدی کشور مکزیک بود که با وجود تمام مخالفت‌های مقامات سیاسی فشار «اهرم» از رأس مقاومت‌ها را شکست چون مقامات وزارت امور خارجه مکزیک به آرمائو رئیس جمهور گفتند با ورود شاه کاملاً مخالفند! آرمائو خطر را به جان خرید:

دوخانه جنب یکدیگر در کوئرنائواکا محله اعیان نشین...

ویلای «گل سرخ» در انتهای یک خیابان بن بست... سگ‌ها اول،

مستخدمین پشت سرسگ‌ها، سپس ملکه و بعد شاه شاه آخر از همه!

اگرچه این مکان چهارم به مراتب از باماها بهتر بود، ولی وضع جسمی شاه رو به وخامت گذاشته بود. ملکه در این جا با مسئله بفرنج‌تری روبرو شد: بیماری شاه.

... در حدود یک هفته پس از عمل کیسه صفرای شاه، پرتونگاری نشان داد که جراحان یک سنگریزه را جا گذاشته‌اند و هنوز مجرای کیسه صفرا مسدود است. کین و سایر پزشکان، این را یک عارضه معمولی وانمود کردند ولی بطور خصوصی بعضی از آنان مبهوت شده بودند. بعدها کولمن به خاطر آورد که یکی از پزشکان به او گفته بود: «واقعاً خنده آور است که یک جراح درجه اول یک سنگریزه کیسه صفرا را جا بگذارد. هه‌هه‌هه!» کولمن در نهایت انصاف پاسخ داد: «سنگ کیسه صفرا در همه جا هست. این امر ممکن است برای هر جراحی اتفاق بیفتد.»^(۲) اما وقتی فلاندرن این خبر را در پاریس شنید،

وحشت کرد. بعدهاگفت: «یک تکنیک استاندارد وجود دارد که ضمن عمل جراحی به کبد بیمار فشار وارد می‌سازد تا معلوم شود آیا تمام سنگها از کیسهٔ صفرا خارج شده است یا نه. چرا این کار را نکردند؟ این اشتباه مهمی بود. نمی‌بایست چنین اتفاقی روی دهد. همکاران من که نظیر این عمل را انجام می‌دهند، سرشان را با ناباوری تکان می‌دادند. با این همه دکتر کین می‌گوید چنین واکنشی بیجا است چون بارها شده است که یک سنگریزه که در کبد پنهان شده متعاقب عمل جراحی به مجرای کیسهٔ صفرا برود.



گیمان

احبار حیان

شماره ۱۰۶۶۰ - شماره ۱۱۰۰ - شماره ۱۰۶۶۰

تلاش وسیع امریکا برای حل بحران گروگانها

سیاسی با ایران و عناصر اقتصادی این کشور را برای گریز از طریق جیبی کربلای معلی در طول هفته گذشته شمار با مشاوران خود در عواید بحران ایران و آمریکا به بحث پرداخته است و انتظار می رود امروز و فردا در کمیته

درنگر می رسد و امکان گزاره می دهد بدنه های فنی ساخت سلامت دولت آمریکا از نام مطوع ایران در گفته بر کمیسیون روابط خارجی مجلس سناي آمریکا و وسیله را پس از آن صادر خواهد بود طرح همه است . بر

به تمام خانواده شاه فراری
بهر منتقل شدند

تلاش وسیع امریکا برای حل بحران گروگانها - یک ماهه پس از آنکه در عواید بحران گروگانها بحث شد امریکا برای حل بحران گروگانها در عواید بحران گروگانها بحث شد امریکا برای حل بحران گروگانها بحث شد

فرح گفت: چاره ای نیست، باید یک کشتی کرایه کنیم و در میان دریاها به سر ببریم!

پزشکان اظهار نظر کردند که یک عمل جراحی دوم از طریق بافتهای شکم بیمار، خطرناک خواهد بود و تصمیم گرفتند پس از آنکه شاه قدری بنیه از دست رفته اش را به دست آورد، یک متخصص کانادایی را که شیوه خاصی برای خرد کردن سنگریزه ها اختراع کرده بود، احضار کنند. طبق این شیوه، از طریق زردبین بسیار کوچکی که بوسیله لوله وارد مجرای کیسه صفرا می شد سنگریزه ها را از بین می برند. چنین لوله ای ضمن نخستین عمل جراحی در پهلوی شاه نصب شده بود. شیوه مزبور از سال ۱۹۷۲ بکار برده می شد، ولی در بیمارستان نیویورک متداول نبود. مادام که مجرای کیسه صفرای شاه مسدود بود، نمی شد شیمی درمانی شدید را که دکتر کولمن تجویز کرده بود بکار ببرند. به جای آن تصمیم گرفتند غده سرطانی گردن را که هنوز آزارش می داد، برق بگذارند. کولمن هنوز نمی دانست که سرطان لنف شاه موضعی است یا در بدن پخش شده است. اما این موضوع اهمیتی نداشت. اگر در گردن متمرکز شده بود پرتو درمانی ممکن بود او را معالجه کند و اگر پخش شده بود ضرری نمی رساند.

بهترین دستگاههای پرتو درمانی در مرکز سرطان کترینگ - اسلون در آن سوی خیابان وجود داشت. مادر شاه را پزشکان همین مرکز معالجه کرده بودند و شاه به عنوان سپاسگزاری یک میلیون دلار به بیمارستان مزبور اهداء کرده بود اما با این وجود یکی دو تن از رؤسای بیمارستان اصلاً مایل به معالجه شاه نبودند. کین از جا در رفت و بعدها تعریف کرد: «منفجر شدم و گفتم حاضر بودید یک میلیون دلار از او بگیرید ولی حالا نمی خواهید او را معالجه کنید؟» سرانجام بیمارستان زیر فشار زیاد موافقت کرد. ولی اصرار ورزیدند که راهروی زیرزمینی که دو بیمارستان را به یکدیگر متصل می کرد، در روز شلوغ و برای امنیت شاه خطرناک است لذا شاه را باید شبها برای